خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۱۳ مهر ۱۳۹۵
۲ محرم ۱۴۳۸
۸ صفحه/ شماره ۳۳۹۹

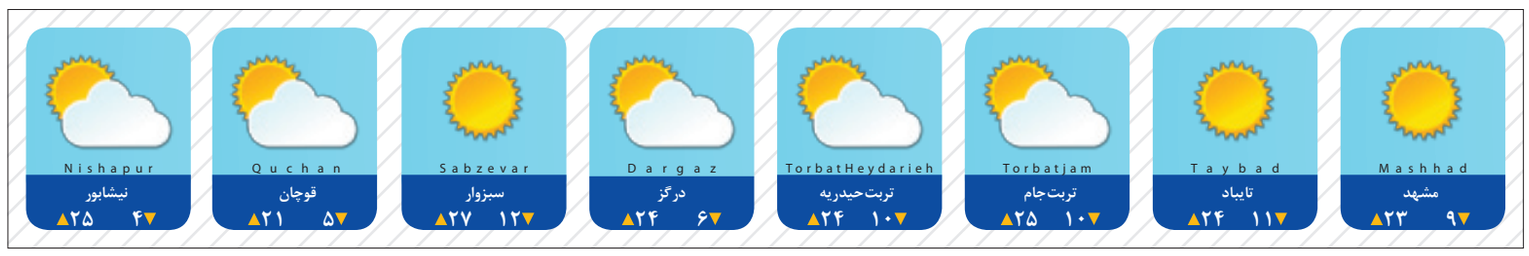

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق(ع)

زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکن و دوستان خود را هم به آن سفارش کن، که در این صورت، خداوند عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد و زندگی ات را همراه با سعادت می کند و جز سعادتمند نمی میری و نام تو را در شمار سعادتمندان، ثبت می کند.

کامل الزیارات، ص ۱۵۲

شاعران خراسان قدیم

مولانا

نمای تاریخی

میدان شهدای مشهد در گذر زمان

خراسان به روایت خراسان

۱۳ مهر سال ۱۳۲۹

زیاد تریاک خورد، مُرد!

۶۶ سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت.

مشهد؛ خبرنگار خراسان - محمد فرزند حسین ساکن عیدگاه، که در اثر سرمای چند روز اخیر، سرماخوردگی پیدا کرده بود و وسیله‌ای می جست تا خود را بهبودی ببخشد، دست به دامان تریاک شد و گویا برای این که اثر بهبودی زودتر مشهود گردد، مقدار زیادی تریاک می خورد. سم مهلک تریاک کار خود را کرده و با این که برای معالجه او اقدامات زیادی به عمل آمده، فوت کرد. جنازه پس از تشریفات قانونی دفن و پرونده به دادسرا احاله شده است.

سارقین پول و طلا به دام افتادند

مشهد؛ خبرنگار خراسان - مبلغ ۱۲۱۰ ریال وجه نقد و یک رشته گردنبند اشرفی و یک زوج گوشواره و یک انگشتر طلا از محمد حمامی به سرقت می رود. بر اثر بازجویی، اشیاء مذکور در دست زبیده و صغری، دختران ماشاءا... مشاهده می شود؛ لذا به کلانتری جلب و ضمن بازجویی معلوم می شود که سارق اشیاء مزبور، اکرم دختر علی است و این دو فقط می خواستند آنها را بفروشند. لذا مشارالیها نیز دستگیر و پس از تشکیل پرونده و بازجویی لازم، متهمین همراه با پرونده تسلیم آگاهی می شوند. فعلا قضیه در آگاهی تحت تعقیب است تا معلوم شود فرد یا افراد دیگری هم در ماجرا دخیل بوده اند یا نه.

کشتی گیر مشهدی بر حریف قزوینی غلبه کرد

مشهد؛ خبرنگار خراسان - ساعت ۱۸ دیروز، مسابقات قهرمانی کشتی کشور با حضور عده‌ای از علاقه‌مندان به ورزش، در «کاخ نیرو» آغاز شد. پس از قرعه کشی اولیه، کشتی بین طاهری از مشهد و لولاآقا از قزوین شروع شد که پس از ۱۲ دقیقه به پیروزی طاهری انجامید.

بریده کتاب

حسین وارث آدم- علی شریعتی

حسین بیشتر از آب «تشنه لبیک» بود، این روح حسین بود که تشنه جام های لبیک بود و گرنه جسمش را از همان هنگام که حجة الوداعش را در عرفات ناتمام گذارد، پاره پاره و مُثله شده دیده بود و می دانست که می میرد.
حسین تشنه آب نبود، همچنان که عباس نبود!
جایی خواندم که مبارزان بزرگ، آن قدر می جنگند که دیگر بدنشان جایی برای زخم خوردن نداشته باشد، به یاد عباس افتادم و دیدم او بزرگترین مبارز است، عباس جنگید تا جایی که دیگر بدنش جایی برای زخم خوردن نداشت عباس تشنه آب نبود، تشنه اعتقادش بود و شهادت و پرواز و لبیک حسین که وارث آدم بود.

تنور

عمو شاطر

فوت و فن های خرید پارچه مناسب

خاطرات یک نعش کش (قسمت هفتم)

میلاد خوشخو

تخت گاز به سوی ابدیت

صبح ما همیشه یک جور شروع می‌شود... روز جدید و مرده جدید. باقی ملت وقتی از در خانه بیرون می‌زنند، با آرزوی داشتن ساعاتی خوش و دیدن اتفاقات خوب اوقات می گذرانند؛ اما ما در بهترین شرایط باید امیدوار به رویارویی با یک جسد فهیم و ثبت یک گفتمان مفید در آمبولانس برزخی باشیم. امروز هم طبق معمول سراغ میت جدیدی رفتیم که قضاوت بر سر میزان فهمش به پای خودتان است. بنده فقط شرح ماوقع می دهم.
مطابق تشریفات همیشگی مرده را درون ماشین بار زدیم و به طرف قبرستان به راه افتادیم. هنوز چند صد متر از مسیر را نرفته بودیم که بدون آغاز مکالمه از سوی همکارم، جنازه لب به سخن گشود که: «اون پدال لامصبو فشار بده دیگه عمو! من عروس نیستما...»
مبارکه با این همه تجربه‌ای که در رانندگی آمبولانس کسب کرده، به شدت روی این قضیه حساس است. به گونه‌ای که انتقاد از رانندگی او نقش چاشنی بمب را بازی خواهد نمود.
مبارکه: «چی شد چی شد؟ هنوز پاتو درست و حسابی اون دنیا نذاشتی زبون درآوردی واسه ما؟! اول بگو ببینم چطوری مُردی که بعد به خدمتت برسم...»
میت: «خلاف کردم.»
مبارکه به محض شنیدن این جمله خودش را جمع و جور کرد و یواشکی و جوری که صدا نپیچد، خطاب به من گفت: «ای داد بیداد... دیدی چی شد دکتر؟ حالا کی می خواد شر اینو بخوابونه؟ احتمالا طرف روزنامه‌نگاره.»
من (یواشکی): «روزنامه‌نگار چه صیغه‌ای است جناب مبارکه؟ ایشان می فرمایند خلاف کردم!»
مبارکه (یواشکی‌تر): «می دونم بابا... آخه اینا بیشترشون روزنامه‌نگارن و حرف مفت می‌زنن... اما جنازه شرور و خلاف سنگینم زیاد داشتم و باهاشون حرفم شده بارها. به حدی روحشون خبیثه که آدم سکته می‌کنه.»
بعد با صدای بلند گفت: «خلافت چی بوده؟»
میت: «لایی کشی و سبقت غیر مجاز... مث تو سوسولی راه نمی‌رفتم که داش!»
این را که گفت، برگشتم و دیدم جسد نشسته و حال و روزش خونین و مالین است. قشنگ معلوم بود شدت تصادف به حدی بوده که فی المجلس دار فانی را وداع گفته.
با اینکه صحنه به شدت دلخراش بود اما دل قوی داشتم و گفتم: «واقعا بنده نمی‌دانم شما جماعت چطور موفق به مردن در جاده‌های کشور می‌شوید! ایمنی خودروها و راه‌ها به نحوی است که حتی تصور مرگ را هم به ذهن متبادر نمی کند. آیا می‌دانید با ایجاد هزاران فرصت شغلی در کشور و تولید اتومبیل‌های زیاد، گام محکمی به سوی فردا برمی‌داریم؟ از چه روی با مرگ و میر بی‌رویه خویش کام صنعت خودرو و فرصت‌های زیاد شغلی مملکت را تلخ می کنید؟»
بنده حرف خاصی نزدم که مبارکه و میت به طور توامان زل زده بودند به چشمانم. فقط حقایق را به عرض رساندم.
مبارکه: «دکتر مارو که ولش کن... ولی آخه چرا مث آدم رانندگی نمی کنید پسر جان؟ یعنی حتما باید گذارتون به این آمبولانس و قبرستون بیفته که باورتون بشه با بی احتیاطی می‌میرین؟»
میت: «بی احتیاطی کدومه داش؟ امثال شما با تاتی تاتی کردن تو جاده، خیابونا رو ناامن می کنین و مارو می کُشید دیگه!»
مبارکه: «نخیر... بدهکارم شدیم.»
من: «اتفاقا اصول منطقی مطرح شده از سوی این متوفی عزیز نکته‌ای را به یادم آورد. آیا می‌دانید درصد بسیار بالایی از کشته‌شدگان تصادفات رانندگی کاملا بی‌سواد هستند؟! و هرچه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، این آمار کمتر نیز می‌شود.»
مبارکه: «اون چهارتا تحصیل کرده رو هم همینا می‌زنن می کشن دیگه دکتر!»
بعد خطاب به جنازه گفت: «گوش کن ببین چی می گم پسر جان... مث یه متوفی درست و حسابی بشین سر جات تا دوباره نزدم نکشتمت! ولش کنی آمبولانس مارو هم می‌بره رو هوا.»
میت (با استیصال): «پس بذار این دم آخری ناکام از دنیا نرم آقا شوفری.»
مبارکه: «بگو چی می خوای.»
میت: «اجازه بده سرمو ببرم بیرون دو تا فحش به این راننده جلویی بدم که راه مارو بسته.»
مبارکه: «بیفت بمیر که برای همه بهتره بچه جان.»
و سپس کاملا مردوارهی قبرستان شدیم.

یادداشت

محمد حسن کاظمی

کارشناس صنایع

بازار منهای جنس قاچاق

اخیرا موجی شکل گرفته است که از گرانی لوازم خانگی در بازار مصرف خبر می‌دهد. این مدعا درست نیست. با توجه به سیاست اخیر دولت برای سخت‌تر کردن نظارت بر بازار، اجناس قاچاق موجود در این حوزه از بازار جمع‌آوری شده است و در خلاء آن‌ها، ظاهرا این طور احساس می‌شود که اجناس و لوازم خانگی گران شده است.
سال‌هاست که بازار لوازم خانگی تولید داخل، در رقابت با اجناس قاچاق و حتی وارداتی، در جا می‌زند. نبود حمایت کافی، مشکلات داخلی صنایع تولید کننده، عقب افتادن از بازار جهانی، برابری هزینه‌های تولید کالای داخلی با نمونه‌های خارجی آن؛ همه و همه این بستر را شکل داده است تا لوازم خانگی ایرانی، عرصه رقابت را ببازد.
با توجه به هشدارهایی که در خصوص فزونی کالای قاچاق مطرح شد، دولت جنب و جوش بیشتری یافت تا این اجناس را از بازار حذف کند و نظارت‌های خود را سامان ببخشد.
طبیعی است که در چنین شرایطی، بازاری که از این نوع اجناس خالی شده است، دچار شوک شود و هضم شرایط فعلی آن زمانبر باشد.
اما لازم است این نکته را هم یادآور شویم که با افزایش نظارت‌ها و کاهش مجراهای ورودی اجناس قاچاق به کشور، یک اتفاق خوب دیگر هم می‌افتد و آن اینکه، مشتریان اجناس خارجی و افرادی که برندها را پسند می‌کنند، باید بهای واقعی کالا را پس از اعمال حقوق دولتی اعم از هزینه گمرک، مالیات بر ارزش افزوده و... بپردازند. همین امر خود یک فرهنگ‌سازی مثبت به شمار می‌آید. تا به امروز نیز با توجه به اینکه هزینه تمام شده کالاهای داخلی بیشتر از واردات بوده، طبیعتا واردات به صرفه می‌نموده است و تولید کنندگان در این بخش با مشکلات بیشتری مواجه می‌شدند.
البته در این میان، تولید کنندگان داخلی هم باید از فرصت استفاده کنند و در مسیر ارتقای کیفی و کمی محصولات خود گام بردارند. اگر بازار به نفع این افراد اصلاح می‌شود، در تقدیر از این اقدام، لااقل باید رضایت مشتریان خود را به لحاظ کمیت و کیفیت کالای مربوطه، تامین کنند. از سوی دیگر، صنایع در جهان، مدام در مسیر دانش‌بنیان شدن و توسعه تحقیقات پژوهش‌ها قدم برمی‌دارند تا هر روز با یک نوآوری جدید، محصولی را روانه بازارهای بین‌المللی کنند.
تولید کنندگان داخلی ما نیز نباید فقط به بازار داخلی که با فشار دولت به نفع آن‌ها، ایجاد شده است اکتفا کنند و باید با توسعه دانش، همپای صنایع بزرگ دنیا، به فکر تصاحب بازارهای جهانی باشند.
اما حالا که عزم جدی نظام برای مقابله با پدیده قاچاق شدت گرفته است، ضرورت دارد نکات پیشگیرانه‌ای نیز اعمال شود تا در آینده، به دلیل غفلت‌ها دوباره دچار پدیده قاچاق نشویم. بازار لوازم خانگی تا پیش از این، وضعیت نابسامانی داشت. آن شرایط موجب انباشت انبوهی از کالاهای ساخت داخل در انبارهای کارخانه‌های لوازم خانگی داخلی شده و نفس واحدهایی با قدمت طولانی در صنعت لوازم خانگی را به شماره انداخته بود.
اما حالا فرصت آن است که فرهنگ سازی خوبی در زمینه تولیدات داخلی انجام شود، یعنی اگر مردم را از خرید جنس خارجی منع می کنیم، مزایای کاربردی جنس داخلی را نیز بیان کنیم. این امر تولید کنندگان ما را ملزم می کند تا چارچوب‌های تولیدی خود را ارتقا ببخشند و عملا گزینه‌های متنوعی برای عرضه داشته باشند.
بخشی از تبلیغات محیطی و فرهنگ‌سازی‌ها بر عهده رسانه‌ها نیز هست. یعنی تلاش شود روند معرفی اجناس داخلی در مقابل نمونه‌های مشابه خارجی، اولویت پیدا کند.
در ماه‌های گذشته خبر تعطیلی واحدهای بسیار قدیمی صنعتی فعال در ایران منتشر شد. این اخبار تلنگری به بدنه دولتی بود تا بداند که جایی برای تاخیر و غفلت نیست. یک کوتاهی کوچک می‌تواند به قیمت حذف چندهزار شغل تمام شود.
بار دیگر تاکید می کنم که در حوزه لوازم خانگی مشکل اصلی و فوریتی ما بیشتر مسئله قاچاق کالا است و نمود نداشتن ارزش‌های واقعی توزیع، که دولت باید به این امر توجه جدی کند، نه با شعار بلکه با عمل.

مشهد

Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تصویری از پرچم بزرگ و زیبای یک هیئت عزاداری

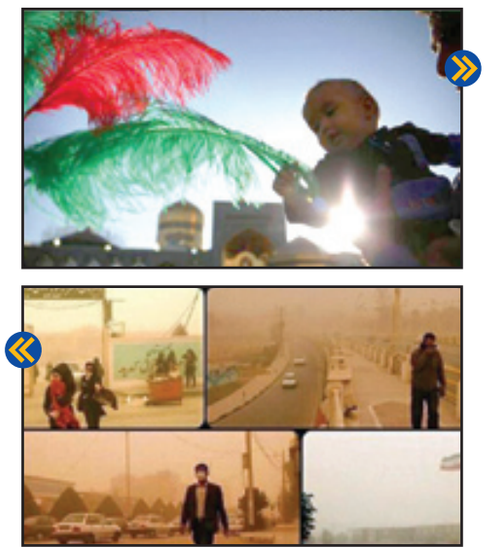

صفحه اینستاگرام حجت‌الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی، به مناسبت آغاز ایام محرم با این عکس زیبا به روز شد. ضمیمه این پست، این شعر شده بود: من از کودکی عاشقت بوده‌ام / قبولم نما گرچه آلوده‌ام مبادا برانی مرا از درت / به بازوی بشکسته مادرت به عشق تو هر کس که منسوب شد / اگر بد بود عاقبت خوب شد

حامد بهداد، شهاب حسینی و بهروز رضوی، آلبوم نمایش صوتی را به مناسبت ایام محرم با عنوان «هفتاد و سومین نفر» با همکاری موسسه «رسانه آفتاب» منتشر کردند و خبر آن را بر خروجی صفحات خود قرار دادند.

اما تازه‌ترین پست رضا توکلی بازیگر، به موضوع تشدید آلودگی در کلان‌شهرها اختصاص داشت که به تهدیدی برای سلامت جسم و روح جامعه تبدیل شده است.

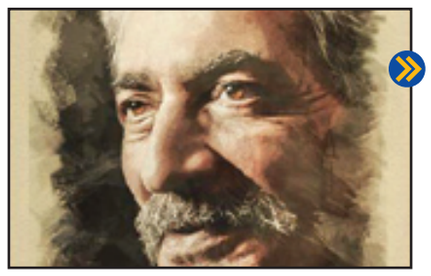

لاله و ستاره اسکندری هر کدام در صفحات اینستاگرام خود، یاد پدر مرحوم تازه‌درگذشته خود را گرامی داشتند و از مهربانی خراسانی‌ها برای همدردی با این خانواده هنرمند، تقدیر کردند.

تصویری از یک شیوه خطرناک حمل بار آن هم با وجود یک سرنشین خردسال